

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، بهار ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۲-۶۷

ردیابی اندیشه‌های خُصیبی در باورهای فرقه شیخیه با تکیه بر کتاب *الهدایه الکبری*

علی غلامی دهقی^۱
امیر حسن مظفری زاد^۲

چکیده

اندیشه غلو به هویت شیعه آسیب زده است. تحلیل میزان نفوذ اندیشه غلو در منابع شیعی، نیازمند شناسایی سرچشمه‌های آن در منابع و اندیشه شخصیت‌های مؤثر این جریان است. یکی از این منابع، کتاب *الهدایه الکبری* نوشته حسین بن حمدان خصیبی (متوفای ۳۵۸ یا ۳۴۶) است. این کتاب بر فرقه شیخیه تأثیر قابل توجهی گذاشته است. فرقه شیخیه نیز در به وجود آمدن فرقه‌هایی همچون بابیت و بهائیت تأثیر داشته است. بخش قابل توجهی از مبانی فکری و اعتقادی شیخیه از جمله باور به عالم هورقلیا و رکن رابع، در کتاب *الهدایه الکبری* قابل ردیابی است؛ این باورها در منابع پیش از آن نیامده است. از این رو بررسی اصالت منبع و میزان تأثیر آن در پیدایش تفکرات و فرقه‌های آسیب رسان به اندیشه اصیل شیعه ضروری به نظر می‌رسد. این نوشتار بر اساس شیوه اسنادی و روش تحلیلی به دنبال بررسی و ردیابی اندیشه‌های خُصیبی در منابع و باورهای فرقه شیخیه است.

کلیدواژه‌ها: حسین بن حمدان خصیبی، رکن رابع، شیخیه، غلو، غالیان، الهدایه الکبری، هورقلیا.

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Ali_gho_d@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع، مرکز آموزش‌های عالی حوزه علمیه اصفهان. Amir.hm60@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۲/۲۵

Tracing Al-Khoṣaybi's thoughts in the beliefs of the Shaykhism sect by relying on the book *Al-Hidāya al-kubrā*

Ali Gholami Dehaghi¹

Amir Hasan Mozafarizad²

Abstract

The idea of ghulū (exaggeration) has damaged the identity of the Shi'ism. Analyzing the extent of the influence of ghulū (exaggeration) thought in Shi'ite sources, it is necessary to identify its sources in the sources and thoughts of the influential personalities of this movement. One of these sources is the book *Al-Hidāya al-kubrā* written by Ḥossein ibn Ḥamdān Khoṣaybi (died 358 or 346 Ah). This book has had a considerable influence on the Shaykhism sect. The Shaykhism sect also had an influence on the create of sects such as Bābīsm and Bahā'īsm. A considerable part of the intellectual and belief basics of Shaykhism, including the belief in the world of Hūrqalyā and the fourth pillar, can be traced in the book of *Al-Hidāya al-kubrā*; These beliefs are not found in previous sources. Therefore, it seems necessary to examine the authenticity of the source and the extent of its influence in the appearance of thoughts and sects that are damaging to the original Shi'ite thought. This article is based on documentary and analytical method to investigate and trace al- Khoṣaybi's thoughts in the sources and beliefs of Shaykhism sect.

Keywords: Ḥossein ibn Ḥamdān Khoṣaybi, *Al-Hidāya al-kubrā*, ghulū (Exaggeration), Ghulāt (Exaggerators), Shaykhism, fourth pillar, Hūrqalyā.

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran (corresponding author). Ali_gho_d@yahoo.com

2. MA in Shi'ite history, Isfahan Seminary Center of Higher Education, Isfahan, Iran. Amir.hm60@gmail.com

درآمد

تمییز عقاید سره از ناسره برای رسیدن به تفکر اصیل اسلامی، از جمله الزامات روش علمی است که بدون آن، فهم صحیح دیدگاه اهل بیت علیهم السلام امکان‌پذیر نیست. یکی از فرقه‌های انحرافی تاریخ تفکر اسلامی، اندیشه غلو و غالیان است که بر باورهای شیعیان تأثیر بسیار داشته است. تحلیل درست عقیده غلو و ارزیابی میزان نفوذ آن در منابع شیعی، نیازمند شناسایی سرشاخه‌های غلو، افراد تأثیرگذار در این گروه و بالاخص منابع منسوب به آنان است. یکی از این منابع کتاب *الهدایه الکبری* نوشته حسین بن حمدان خصیبی (۲۶۰-۳۴۶) است. مسئله این نوشتار، بررسی و ردیابی اندیشه‌های خصیبی در منابع و باورهای فرقه شیخیه است. در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی به بررسی شواهد و قرائن روائی و تاریخی این مسئله پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

صفری فروشانی (۱۳۸۴ش) در مقاله «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب *الهدایه الکبری*»، به ارزیابی کتاب *الهدایه الکبری* و نویسنده آن پرداخته و برای اثبات غالی بودن خصیبی موارد متعددی از آن کتاب شاهد آورده است. در مقاله «زندگی‌نامه حسین بن حمدان خصیبی، بنیانگذار فرقه نصیری - علوی»، نوشته فرایمن و ترجمه محمدی مظفر (۱۳۸۶ش) بیشتر به جایگاه و نقش خصیبی در فرقه نصیری تأکید شده است. مقاله «حسین بن حمدان خصیبی و اهمیت وی در تکوین نصیری»، نوشته رحمتی (۱۳۸۴ش)، خصیبی را به عنوان عالم بزرگ نصیری معرفی کرده و به نقش وی در تکوین این مذهب پرداخته است. نجفی یزدی (۱۳۸۵ش) در مقاله «اعجاز ائمه علیهم السلام و روایات مربوط به آن»، صفری فروشانی را به چالش کشانده و سعی در دفاع از خصیبی دارد. او ضمن تأیید برخی از اشکالات، تلاش کرده تا بیشتر آن اشکالات را رد کند. دجیلی (۱۳۷۵ق) در کتاب *مجموع الاعیاد و طریقه الخصیبیه*، درباره جایگاه اعیاد در طریقه خصیبیه و نصیری بحث کرده است. شهبازیان (۱۳۹۹ش) در مقاله «تحلیلی بر اسناد روایت اصبع بن نباته در کتاب‌های *الکافی* - *کمال الدین* - *الهدایه الکبری*»، حدیثی را درباره غیبت امام زمان علیه السلام به روایت مفضل بن عمر در این سه کتاب بررسی تطبیقی

کرده و نقل شیخ صدوق را ترجیح داده است. انصاری (۱۳۹۶ش) نیز در مقاله «شیخیه میراث دار نصیریه»، به دنبال اثبات گرفته شدن مطالب و معارف شیخیه از تفکرات فرقه نصیریه است. با این همه مقاله حاضر بر اساس شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی به تاثیرگذاری کتاب *الهدایه الکبری* بر فرقه شیخیه پرداخته است.

حسین بن حمدان خصیبی

حسین بن حمدان خصیبی جُنبلانی متولد سال ۲۶۰ و متوفای ۳۳۴ یا ۳۴۶ یا ۳۵۸، از راویان و محدثان شیعه و از نخستین مشایخ فرقه نصیریه است. پدر او حمدان بن خصیب و عموهایش احمد و ابراهیم با امام حسن عسکری علیه السلام مراوده داشته‌اند. او در سال ۲۷۳ در کوفه به فراگیری علم مشغول بود (غالب طویل، ۲۶۱). محل تولد خصیبی در منابع رجالی و تراجم نیامده است. غالب طویل (متوفای ۱۹۲۲)، مورخ علوی مذهب، ولادت او را سال ۲۶۰ هجری، همزمان با سال شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در شهر جنبله^۱ دانسته است (همان، ۲۵۹). البته در منابع متقدم اطلاعی درباره تاریخ و محل دقیق تولد وی وجود ندارد (رحمتی، «خصیبی حسین بن حمدان جنبلانی»، ۵۴۹/۱۵).

خصیبی در سفر به مصر با عبدالله جنان جنبلانی فارسی، رئیس فرقه نصیریه آشنا شد و به جمع پیروان او پیوست. عبدالله جنبلانی اصول باطنی را که خود از ابوشعیب محمد بن نصیر نمیری آموخته بود، به خصیبی آموخت. محمد بن نصیر نمیری نیز خود را باب امام حسن عسکری علیه السلام می‌دانست (همان، ۲۵۵، ۲۵۷-۲۵۸). خصیبی مدتی به تبلیغ و تربیت شاگردان پرداخت و به اتهام تفکرات غالیانه مدّتی در بغداد به زندان افتاد (خصیبی، تحقیق حداد، ۴۳). پس از تسلط آل بویه بر بغداد، خصیبی مورد احترام آنها قرار گرفت و برخی از کتاب‌های خود را به امیران آل بویه تقدیم کرد. همین مسئله برای برخی از امیران حمدانی نیز نقل شده است. گفته شده موفقیت خصیبی به سبب حمایت‌های حمدانیان، به خصوص سیف الدوله حمدانی بوده است (کارشناس، ۷۴). آثار خصیبی در تدوین عقاید نصیریه اهمیتی ویژه دارد و آنان خود را وامدار تعلیم وی

۱. منطقه‌ای بین واسط و کوفه (یا قوت حموی، ۱۶۸/۲).

می‌دانند؛ تا جایی که گاهی از این فرقه با عنوان «طریقه خصیبه» نیز یاد کرده‌اند (ماخوس، ۳۸۱/۱۲).

خصیبه را جزو نخستین مشایخ نصیریّه معرفی کرده‌اند (همان، ۵۴۹/۱۵). او سومین جانشین محمد بن نصیر، مؤسس فرقه نصیریّه، بعد از محمد بن جندب و ابو محمد جنبلانی (جنان) معرفی شده‌است (رحمتی، «حسین بن حمدان خصیبه و اهمیت وی در تکوین نصیریّه»، ۱۷۶). البته برخی چنین اعتقاد دارند که وی مؤسس فرقه «نصیری-علوی» است (فرایمن، ۱۳۷-۱۷۰). نامگذاری فرقه نصیریّه به «طریقه خصیبه» نشان دهنده میزان تأثیر خصیبه در این فرقه است. آثار منسوب به خصیبه در تدوین عقاید نصیریّه اهمیتی ویژه دارد و طرفداران فرقه نصیریّه خود را وامدار تعالیم وی دانسته‌اند (رحمتی، «خصیبه حسین بن حمدان جنبلانی»، ۵۵۱/۱۵).

فرایمن (۱۵۷-۱۵۶) بر این باور است که با وجود محدود بودن مطالب درباره فرقه نصیریّه، ظاهراً در تأثیر خصیبه در شکل‌گیری الهیات این فرقه و اینکه او پایه‌گذار مبانی فقهی نصیری است، جای تردیدی نمی‌ماند. وی تأثیر خصیبه در فرقه نصیریّه را به حدّی می‌داند که احتمال قوی داده است در صورت فرار نکردن وی از بغداد، فرقه نصیریّه نابود می‌شد. در اهمیت و جایگاه خصیبه نزد طرفداران فرقه نصیریّه همین بس که «نصیریان در آغاز پیوستن به این فرقه به کتاب مجموع/الاعیاد طبرانی نصیری سوگند می‌خورند که سرپوشی کنند و متعهد می‌شوند که «شعیبی مذهب» و «جندبی رأی» و «جنبلانی حقیقت» و «خصیبه طریقت» باشند» (رحمتی، «خصیبه حسین بن حمدان جنبلانی»، ۵۵۲/۱۵). ماخوس (۳۸۱/۱۲) از علمای نصیریّه نیز در مسئله قدیم بودن علی بن ابی طالب علیه السلام، ردّ این تفکر و لعن قائلان به آن را برای هر مؤمن «موحد شعیبی الدین، جندبی الرأی، خصیبه المذهب، جلی مقاله، میمونی الفقه» واجب دانسته است. البته همانطور که تاکر (۱۲۸) تذکر داده است، در بررسی فرقه‌ها، توجه به تکامل یا تغییر عقاید فرق در فراز و فرودهای تاریخی و صحت انتساب تفکرات این فرقه‌ها به رهبران فرقه بسیار حائز اهمیت است.

درباره خصیبه در میان علمای امامیه اختلاف زیادی وجود دارد. برخی قائل به

فاسدالمذهب و غالی بودن وی هستند. برخی درصدد دفاع از او برآمده و جایگاه رفیعی برایش در نظر گرفته‌اند. شوقی امین حداد مصحح کتاب خصیبه نیز فرض فاسد المذهب بودن او را دلیل قانع کننده‌ای برای انکار منقولات او ندانسته است (خصیبه، تحقیق حداد، ۱۵۰؛ نجفی یزدی، ۱۴۲).

الهدایه الکبری

کتاب الهدایه الکبری اثر حسین بن حمدان خصیبه جُنبلانی از منابع مهم قرن چهارم هجری است که مطالب تاریخی آن به شیوه حدیثی بیان شده و مؤلف سلسله اسناد خود را بیان کرده است. چهارده باب کتاب به اعتبار چهارده معصوم تنظیم و هر باب به دو قسمت اصلی تقسیم شده است. قسمت اول کلیاتی درباره تاریخ هر معصوم از احوال شخصی است و قسمت دوم به ذکر روایات مختلف با سلسله اسناد مشخص می‌پردازد که غالب اسناد آن به امامان شیعه منتهی می‌شود. در این روایات، معجزات و کرامات هر معصوم، شامل تعیین مصادیق علم غیب، تصرف در نظام تکوین همچون زنده کردن مردگان و طی الارض امام با همراهی اصحاب، سخن گفتن به زبان‌های گوناگون و نیز گفتگو با حیوانات، نباتات و جمادات ذکر شده است.

حجم مطالب درباره هر معصوم متفاوت است اما روایات گزارش شده درباره امام مهدی علیه السلام، امام علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله به ترتیب از حجم بیشتری برخوردار است. بخش پایانی کتاب به نگارش گفتگوی بسیار طولانی مفضل بن عمر با امام صادق علیه السلام اختصاص دارد و دربردارنده پرسش‌های فراوان مفضل و پاسخ‌های امام ششم علیه السلام به‌خصوص درباره چگونگی ظهور امام زمان علیه السلام و عملکرد او است. پانزدهمین بخش کتاب درباره ابواب دوازده گانه امامان شیعه است. ذکر تفصیلی دیدگاه‌ها و اعمال یاران فارس بن حاتم قزوینی که در کمتر کتب رجالی و تاریخی شیعه یافت می‌شود و وضعیت جامعه شیعی بعد از وفات امام عسکری علیه السلام و فعالیت‌های جعفر کذاب از دیگر مباحث این کتاب است.

الهدایه الکبری از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در زمینه اثبات امامت ائمه علیهم السلام به‌وسیله نقل

کرامات و معجزات و تاریخ زندگی ایشان است که به مباحث تاریخی و معرفتی چهارده معصوم، به صورت مستند پرداخته است. کتاب شامل دو جزء بوده که در یک جلد چاپ شده است. جزء اول شامل مباحث مربوط به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، صدیقه طاهره و جزء دوم شامل سایر اهل بیت علیهم السلام تا حضرت حجت علیه السلام است. در برخی چاپ‌ها فصل پانزدهم و پرچالشی با عنوان «ابواب ائمه علیهم السلام» نیز وجود دارد که مربوط به معرفی باب‌های امامان شیعه است. البته برخی پژوهشگران این بخش را جزو کتاب *الهدایه الکبری* نمی‌دانند و با مقایسه نسخه‌های مختلف، بر این باورند که این فصل بعدها به کتاب افزوده شده است (خصیصی، تحقیق حداد، ۱۴۶-۱۵۸). در برخی موارد اسقاط راویان باعث شد تا روایات تبدیل به روایات مرسل گردند. البته احتمال جعل سند از سوی راویان جاهل به طبقات رجالی نیز داده شده است (صفری فروشانی، ۲۸). از مطالب چالش برانگیز و غلوآمیز در کتاب *الهدایه الکبری* می‌توان به این موارد اشاره کرد: تولد اهل بیت علیهم السلام از ران مادرانشان (خصیصی، ۴۳۵)، قرار دادن قابیل در شمار انبیاء، انتقال نبوت از دانیال نبی به پادشاهانی چون اسکندر، اردشیر و شاپور، تفکرات تکفیری (همان، ۳۳۶)، پشیمانی علی بن ابی طالب علیه السلام از مجازات غالیان (همان، ۱۵۰-۱۵۱)، عنوان نام «اصحاب اخدود» برای غالیان (همان، ۴۳۴) و مانند اینها.

در انتساب کتاب *الهدایه الکبری* به خصیصی تردیدی وجود ندارد و همگان انتساب کتاب به مؤلف را پذیرفته‌اند. گاهی از کتاب با عنوان *أسماء النبی و الأئمه علیهم السلام* یاد شده است (آقا بزرگ تهرانی، ۲۱۶/۳). با این حال درباره محتوای کتاب یاد شده از قدیم اظهار نظرهای متفاوتی وجود داشته است. برخی آن را غیر معتبر و غلوآمیز دانسته و برخی دیگر آن را از کتب فرقه نصیرییه می‌دانند. شمار دیگری به دفاع از خصیصی پرداخته و جز برخی مطالب کتاب، باقی مباحث آن را مطابق معیارهای علمی و معتبر دانسته‌اند (صفری فروشانی، ۲۷، ۴۵). کتاب در قرون بعدی جایگاه نسبتاً مناسبی در میان آثار امامیه یافته و بعضی از علما از آن نقل کرده‌اند.

شیخیه

احمد بن زین الدین احسائی (متوفای ۱۲۴۱)، از علمای قرن ۱۲ و ۱۳ است که توسط او جریانی با عنوان «شیخیه» یا «کشفیه» به وجود آمده است (امین، ۵۹۰/۲). این جریان زمینه به وجود آمدن فرقه بابیت و سپس بهائیت را ایجاد کرده است (لواسانی، «شیخیه»، ۳۹۲/۲۸). شمار قابل توجهی از بزرگان شیعه مسئله انحراف و غلو را برای این فرقه مطرح کرده‌اند. عارف بزرگ سید علی قاضی طباطبایی در جواب سؤال شاگرد خود، عباس قوچانی از اشکال فرقه شیخیه پاسخ داده است: «... شیخ احسائی خدا را مفهومی پوچ و بدون اثر، خارج از اسماء و صفات می‌داند و این عین شرک است» (حسینی طهرانی، ۴۲۶-۴۲۷). البته برخی در دفاع از احسائی برآمده‌اند. محمد ابراهیم کلباسی که خود از احمد احسائی اجازه نقل روایت دارد، بعد از تعبیری چون «الزاهد» و «الفاضل الوحيد» برای او، نسبت‌های مطرح شده به احسائی را از جهل و عدم اطلاع کافی از اصطلاحات شیخ دانسته است (کاشانی، ۵۴). برخی دیگر نیز غالب تفکرات انحرافی و غلو آمیز را مربوط به شاگرد احسائی، سید کاظم رشتی، دانسته‌اند (امین، ۵۹۰). برخی نیز احسائی را تحت تأثیر مکتب فلسفی اشراقی و صدرائی می‌دانند (ذهبی و محرمی، ۷۳-۹۶). شفتی بیدآبادی (۹۵-۱۲۶) با اشاره به داوری‌های متضاد درباره احسائی، دیدگاه‌های مختلف راجع به او را در چهار بخش ستایشگران، انتقادکنندگان، تکفیرکنندگان و متوقفان مورد بررسی قرار داده است. با اینکه فرقه شیخیه اصرار به تأیید این فرقه توسط شفتی دارد ولی تنکابنی که شاگرد شفتی است، می‌نویسد: ایشان میانه خوشی با طرفداران این فرقه نداشته است (همان، ۱۲۷). با این وجود، در اینکه فرقه شیخیه زمینه به وجود آمدن فرقه‌های بابیه و بهائیه را ایجاد کرده است، اختلافی وجود ندارد (برای آشنایی بیشتر با دیدگاه‌های راجع به احسائی، نک. لواسانی، «شیخیه»، ۳۸۲/۲۸-۳۹۵).

عقاید مهم شیخیه

احمد بن زین الدین احسائی (متوفای ۱۲۴۱)، از علمای قرن ۱۲ و ۱۳ قمری است که در کتاب‌های او اندیشه‌های انحرافی و غالیانه دیده می‌شود. این تفکرات انحرافی،

جریانی با عنوان «شیخیه» یا «کشفیه» (امین، ۵۹۰/۲) به وجود آورد که زمینه به وجود آمدن فرقه بابیت و سپس بهائیت را ایجاد کرد (لواسانی، «شیخیه»، ۳۹۲/۲۸). ادعاهایی چون ارتباط و اخذ علوم از ائمه، علم کیمیا و همچنین عصمت به احسائی نسبت داده شده است (نجاری، ۶۱-۷۳، ۱۴۴-۱۴۶، ۳۹۶-۴۰۰). برخی چنین نسبت‌هایی را به حسادت رقیبان احسائی مربوط دانسته‌اند (آل طالقانی، ۹۳).

احسائی از بزرگانی چون شیخ احمد بحرانی، شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) و سید محمد مهدی طباطبائی بروجردی (بحرالعلوم) اجازه اجتهاد داشت (شفتی بیدآبادی، ۸۸-۸۹). البته این اجازات مربوط به قبل از آشکار شدن انحرافات احسائی بود (همان، ۸۰). بزرگانی نیز از احسائی اجازه اجتهاد و نقل حدیث گرفته‌اند؛ از جمله ایشان می‌توان به محمد ابراهیم کلباسی، اسدالله کاظمینی، رجبعلی یزدی و مرتضی انصاری اشاره کرد (همان، ۹۰). این مطلب نشان دهنده جایگاه و اعتبار احسائی در میان علما و دلیل اصلی نشر اندیشه‌های او است. مهمترین اندیشه‌های مطرح شده توسط احمد احسائی از این قرار است:

۱. جسد هورقلیایی

کیفیت معاد جسمانی، در واقع معروف‌ترین تفکر احمد احسائی است. بر اساس این نظریه، آدمی دو جسم دارد. جسد اول مربوط به دنیا و جسد دوم (جسد هورقلیایی) مربوط به قیامت است (احسائی، شرح الزیارة الجامعة الکبیره، ۲۴/۴-۲۷؛ ۳۹۳/۲). جسد دوم در باطن جسد اول مخفی است اما به علت لطافتش دیده نمی‌شود و پس از دفن انسان، رها می‌شود (احسائی، شرح العرشیه، ۱۸۹).

۲. پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام علل اربعه کائنات

بر اساس فلسفه ارسطویی و حکمت اسلامی، علت‌های فاعلی، مادی، صوری و غایی، ارکان چهارگانه خلقت هستند. احسائی با استناد به برخی احادیث، کمال هر یک از چهار جنبه علیت را پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام معرفی کرده است و «علل اربعه کائنات» را ایشان می‌داند (احسائی، شرح الزیارة الجامعة الکبیره، ۶۸/۱).

۳. زندگی مهدی موعود علیه السلام در عالم هورقلیا

احسائی (الرساله الرشتیه، ۱۳۶) بر خلاف سایر علمای شیعه، اعتقاد دارد زندگی امام زمان علیه السلام نه در این جهان، بلکه در عالمی موسوم به هورقلیا است. یکی از مهمترین روایات مؤثر در تفکرات شیخیه، روایت «اکوان سته» است (انصاری، «شیخیه میراث دار نصیریه»). در این روایت مفصل و منسوب به مفضل بن عمر، ادوار خلقت اهل بیت علیهم السلام شش مرحله (کون) است (خصیبی، ۴۳۵). این روایت فقط در کتاب الهدایه الکبری آمده است. این مطلب می‌تواند تأثیرپذیری شیخ احمد احسائی از کتاب و اندیشه‌های خصیبی را تقویت کند. در رساله منسوب به خصیبی «اکوان سبعة» مطرح شده است. در این رساله سلمان به عنوان کون اول (کون نورانی) معرفی شده است (خصیبی، سلسله التراث، ۷۷-۷۸).

۴. رکن رابع

مطابق اندیشه رکن رابع، در هر زمان باید شخص ظاهری به جز امام زمان علیه السلام، که غائب است، وجود داشته باشد تا به تمام آنچه مردم به آن محتاج‌اند، عالم باشد! این شخص واسطه بین امام و مردم است. بر تمام خلائق اطاعت از این شخص و دعوت دیگران به سوی او، واجب است. در مکتب شیخیه از این شخص با تعبیری چون «رکن رابع»، «قطب» و «نائب خاص» یاد شده است (آل طالقانی، ۳۰۶). این نظریه یکی از مهمترین مؤلفه‌های منظومه فکری و دینی نصیریه است (انصاری، «داستان شنیدنی تحریف یک روایت»). برخی از علمای امامیه در مقابل این دیدگاه، مواضع تندی اتخاذ کرده‌اند. محمد حسین کاشف الغطاء به صرف همین اندیشه به کفر شیخیه تصریح کرده است. البته ایشان به توجیهات مطرح شده توسط علمای شیخیه (لواسانی، «رکن رابع»، ۲۶۸/۲۰) برای سازگار کردن این مطلب با عقاید صحیح نیز توجه کرده است (آل طالقانی، ۵).

از جمله مستندات و دلایل شیخیه برای این مطلب، «خبر الخیط» است (لواسانی، همان، ۲۶۸/۲۰) که قدیمی‌ترین منبع آن کتاب الهدایه الکبری است. در انتهای این حدیث به نه مرتبه معرفتی و لزوم معرفت شیعه نسبت به آن اشاره شده است.

پیگیری عقاید غالیانه شیخیه در کتاب الهدایه الکبری

۱. روایت ریسمان و زلزله (خبر الخیط)

روایت ریسمان و زلزله به «جابر بن یزید جعفی» نسبت داده شده است. مطابق این نقل، شیعیان از ظلم بنی امیه و لعن امیرالمؤمنین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام شکایت کردند. ایشان به فرزندشان امام باقر علیه السلام دستور می دهند که فردا به مسجدالنبی برود و آن ریسمانی که جبرائیل برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورده بود را به آرامی تکان بدهد! بعد از اجرای فرمان امام سجاد علیه السلام، زلزله سهمگینی در شهر رخ داد و نزدیک به سی هزار نفر از مردم از کوچک و بزرگ هلاک شدند (خصیبه، ۲۲۶-۲۳۲).

در این روایت اشکالاتی وجود دارد که پذیرش آن را با تردید مواجه می کند: نخست اینکه در این روایت «جابر بن یزید جعفی» از اصحاب امام سجاد علیه السلام معرفی شده است؛ در حالی که مطابق تصریح تمام علمای رجال، او جزو شاگردان امام باقر و امام صادق علیه السلام است (طوسی، رجال، ۱۲۹؛ نجاشی، ۱۲۸). دیگر اینکه هلاکت سی هزار نفر در اثر زلزله، با متون و شواهد تاریخی سازگار نیست. در صورت بروز چنین رخداد مهمی حتماً متون تاریخی به آن اشاره می کردند. مجلسی (۲۷۴/۴۶-۲۷۹ ح ۸۰) این روایت را از کتاب *عیون المعجزات* نقل کرده است. البته ایشان کتاب را منسوب به سید مرتضی دانسته است. در جای دیگر همین مطلب به نقل از پدر (محمدتقی مجلسی) از کتابی عتیق و قدیمی که برخی از محدثان از اصحاب شیعه در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته اند، نقل شده است (همان، ۸/۲۶-۱۷ ح ۲). ایشان بعد از نقل این روایت، به این نکته اشاره کرده که به خاطر عدم صحت این دست روایات و غریب بودن مضامین آن، بابتی جداگانه برای آن باز کرده و این دست روایات را نه قبول و نه رد می کند (همان، ۱۷).

برخی تشیع پژوهان بر این باورند که این کتاب عتیق مورد استفاده مجلسی دوم، با کتاب *انیس السمرء و سمیر الجلساء* احمد احسائی، مشترکات زیادی دارد (انصاری، «داستان شنیدنی تحریف یک روایت»). شیخ احمد احسائی در آثارش این حدیث را بر اساس منبعی نقل می کند که نامش *انیس السمرء و سمیر الجلساء* است. گویا این کتاب

ناشناخته در دسترس شیخیه بوده است.

احسائی («رساله فی جواب الملا محمدحسین الاناری»، ۸) در تبیین تفکر هورقلیا راجع به این روایت نوشته است: این ریسمان اشاره به نظام قیومی حاکم بر هستی است که تمام اشیاء به واسطه آن استوارند و آن ریسمان تجلی پیامبر ﷺ است که سبب استواری تمام اشیاء است. شیخ درباره رنگ این ریسمان نیز قلم فرسایی کرده و علت زرد بودن آن را مظهر اسم رحمن بودن پیامبر ﷺ عنوان کرده است! ایشان توضیح بیشتر در این رابطه را صلاح ندانسته و تأکید می‌کند که در اینجا باید کلام را قطع کرد. او از توضیح بیشتر طفره می‌رود! وی در مباحث مربوط به مهدویت نیز به این روایت توجه دارد (احسائی، «رساله العصمه و الرجعه»، ۱۵۳). او در تفسیر زیارت جامعه کبیره ذیل «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه» ماجرای ریسمان را یکی از بزرگترین تجلیات ولایت اهل بیت ﷺ دانسته و دلیل آن را ظاهر دانسته شدن خداوند در تمام اشیاء عنوان کرده است! (احسائی، شرح الزیاره / جامعه، ۲۴/۱).

۲. روایت فرش انبیاء (بساط الانبیاء)

در روایت فرش انبیاء، شخص نابینائی به نام ابوالحسن عاصم کوفی، نزد امام حسن عسکری (ع) آمد. امام (ع) به او می‌گوید فرشی که بر آن نشسته‌ای تعداد زیادی از رسولان، انبیاء و ائمه (ع) بر آن نشسته‌اند. در ادامه روایت، اسامی برخی از این انبیاء و جای پای ایشان به عاصم نشان داده می‌شود (خصیبی، ۳۳۵-۳۳۷). در این روایت نیز اشکالاتی وجود دارد که قبول آن را مورد تردید قرار داده است. از جمله اشکالات می‌توان به اینها اشاره کرد: ۱. تفاوت زیاد در تعداد، نام‌ها، ترتیب و سایر مطالب راجع به انبیاء با نقل‌های دیگر منابع؛ ۲. قرار دادن نام قابیل در شمار انبیاء (همان، ۳۳۵-۳۳۷)؛ ۳. انتقال نبوت از دانیال به پادشاهانی چون اسکندر، اردشیر و شاپور. باید توجه داشت که غالبان نگاهی مثبت به پادشاهان فارس داشته‌اند. این مطلب در اشعار منسوب به غالبان قابل مشاهده است (طوسی، الغیبه، ۴۰۷؛ مایکل براشر، ۳۶)؛ ۴. تأکید بر اینکه اگر کسی در فقره‌ای از این روایت شک کند، کافر است! با این بیان، تمام فرق اسلامی



به جز نصیریه، کافر خواهند بود. قبول این روایت توسط نصیریه، این فرقه را به جریانی تکفیری بدل خواهد کرد. خصیصی در کتاب *الرساله*، علت کافر شدن شک کنندگان در این روایت را منجر شدن آن به «تعُدّ معنی» و همچنین به هم ریختن «مراتب معنی» دانسته است (اکبری و عادل زاده، ۱۷۴-۱۷۵)؛ و ۵. انکار ۱۲۴ هزار پیامبر صلی الله علیه و آله، با وجود روایات بسیار درباره آن و تأکید بر گناهکار بودن افرادی که به غیر از اسامی نام برده شده در این روایت، کسی را نبی، رسول یا وصی بدانند (خصیصی، ۳۳۷). احسائی («دیوان المراثی و اشعار»، ۶۸) با نقل این روایت در اشعار^۱ خود به اعتقاد راسخ و جازمش به این روایت اذعان کرده است.

نتیجه

در غالی یا رهبر نصیری بودن خصیصی، تردید وجود دارد؛ با این حال در تأثیرگذاری و نفوذ مطالب کتاب *الهدایه الکبری* وی در منابع شیخیه تردیدی وجود ندارد. خصیصی دانسته یا نادانسته مطالب غلوآمیزی را در کتاب *الهدایه الکبری* نقل کرده است که در منابع قبلی یافت نمی‌شود. شیخیه نیز که جزو تأثیرگذارترین فرقه‌ها در ایجاد زمینه برای به وجود آمدن فرقه بابیت و سپس بهائیت است، تحت تأثیر خصیصی و کتاب *الهدایه الکبری* شکل گرفته است و بخشی از مبنایی‌ترین تفکرات شیخیه، از جمله رکن رابع و هورقلیا از این کتاب اخذ شده است.

۱. ... إِذْ قَالَ لِابْنِ عَاصِمٍ أَنْظِرْ إِلَيَّ
هَذَا الْبَسَاطُ الْأَنْبِيَا قَدْ جَلَسُوا

مَا تَحْتَ رَجُلَيْكَ فَتِلْكَ الْعُمَلُ
عَلَيْهِ بَلْ وَالرَّاشِدُونَ الرُّسُلُ ...

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، قم و تهران، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۸.
- آل طالقانی، محمد حسن، الشیخیه، بیروت، الآمال للمطبوعات، ۱۴۲۰.
- احسانی، احمد بن زین الدین، شرح الزیارة الجامعة الکبیره، بیروت، دار المفید، ۱۴۲۴-۲۰۰۳.
- _____، «رسالة فی جواب الملا محمد حسین الاناری»: Retrieved Apr. 28, 2024, from https://www.alabrar.info/library/A061_M30/f0000#pg_8
- _____، «دیوان المراثی و اشعار الشیخ اوحید»: Retrieved Apr. 28, 2024, from https://www.alabrar.info/library/MRS_ALEF/f0004#pg_68
- _____، شرح العرشیه، تحقیق صالح احمد، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۳۸۴-۱۴۲۷.
- _____، «الرساله الرشتیه»، Retrieved Apr. 28, 2024, from https://www.alabrar.info/library/ALF104/f0004#pg_136
- _____، «العصمه و الرجعه»: Retrieved Apr. 28, 2024, from https://www.alabrar.info/library/ALF057/f0004#pg_153
- اکبری، عمیدرضا، و علی عادل زاده، «رمز واره‌های نصیری در کتاب الهدایه الکبری»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، سال ۲۸، شماره ۷۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۶۷-۲۰۱.
- انصاری، حسن، «شیخیه میراث دار نصیری» ۱۳۹۶/۰۶/۱۹: Retrieved Apr. 28, 2024, from <https://ansari.kateban.com/post/۳۳۷۸>
- امین، سید محسن، أعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶.
- تاكر، ویلیام، «بیان بن سمعان و بیانیه»، ترجمه صادقی مصطفی، طلوع بهار، سال ۷، ش ۲۵، ۱۳۸۷ش، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- حسینی طهرانی، محمد حسین، روح مجرد، علامه طباطبائی، مشهد، ۱۴۲۷.
- خصیبه، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، تحقیق شوقی امین حداد، قم، دار زین العابدین، ۲۰۱۹/۱۴۴۰.
- _____، الهدایه الکبری، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۹۹۹/۱۴۱۹.
- _____، سلسله التراث العلوی، تحقیق محمد بن علی جلی، لبنان، دار العجل المعرفه و دیار عقل، بی‌تا.
- دجیلی، عبدالحمید، «مجموع الاعیاد و طریقہ الخصیبه»، مجله المجمع العلمی، عراق، ۱۳۷۵.
- ذهبی، سید عباس و فزیده محرمی، «مظاهر عالم هورقلیا در فلسفه اشراق و مکتب شیخیه»، اندیشه دینی، تابستان، شماره ۳۵، ۱۳۸۹ش، ص ۷۳-۹۶.



- رحمتی، محمدکاظم، «خصیصی حسین بن حمدان جنبلانی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- رحمتی، محمد کاظم، «حسین بن حمدان خصیصی و اهمیت وی در تکوین نصیری»، هفت آسمان، شماره ۳۰، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۷۳-۲۰۷.
- شفتی بیدآبادی، محمدباقر بن محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون عقائد شیخیه (زمینه ساز بابت)، قم، عطر عترت، ۱۳۸۸ ش.
- شهبازیان، محمد، «تحلیلی بر اسناد روایت اصبع بن نباته در کتاب‌های الکافی - کمال الدین - الهدایة الکبری»، مطالعات مهدوی، ش ۴۹، سال ۱۱، پائیز ۱۳۹۹ ش. ص ۷-۴۴.
- صفری فروشانی، نعمت الله، «حسین بن حمدان و کتاب الهدایة الکبری»، طلوع، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۴ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱.
- _____، رجال الشیخ الطوسی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۵.
- غالب طویل، محمد امین، تاریخ العلویین، بیروت، دار الأندلس، بی‌تا.
- فرایمن، آرون، «زندگی نامه حسین بن حمدان خصیصی، بنیانگذار فرقه نصیری - علوی»، ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، هفت آسمان، ش ۳۳، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۳۷-۱۶۹.
- کارشناس، علی، تبیین اعتقادات و احکام فقهی علویان سوریه، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵ ش.
- کاشانی، حبیب‌الله بن علی مدد و ابوالقاسم کاشانی، لباب الألقاب فی القاب الأطیاب، تهران، کتابفروشی بوذرجمهری مصطفوی، ۱۳۷۸.
- لواسانی، سید محمد رضا، «رکن رابع»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
- _____، «شیخیه»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۹ ش.
- ماخوس، علی بن سلمان، سلسلة التراث العلوی؛ المناظرات و الردود، لبنان، دار لعجل المعرفة و دیار عقل، بی‌تا.
- مایکل براشر، مایر، «مؤلفه ایرانی مذهب نصیری»، ترجمه محمدی مظفر، محمد حسن، هفت آسمان، سال ۹، ش ۳۶، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۰۹-۱۳۲.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴.
- نجاری، محمد حسن، شیخیه نقطه آغازین انحراف، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی و شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۵ ش.

- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷.
- نجفی یزدی، سید محمد، «اعجاز ائمه علیهم السلام و روایات مربوط به آن» (نقد مقاله حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایه الکبری)، طلوع، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۱-۱۶۲.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵.